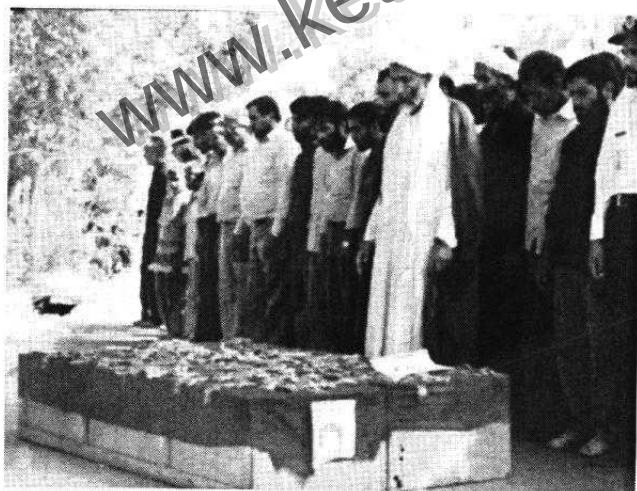


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

استعاذه و سناه خواهی

در قرآن



شهید حجت الاسلام محمد خواجه بمی در حال نماز
بر جنازه دو تن از شهدای شهر بم در دفاع مقدس



- سرشناسه: : خواجه، محمد حسین، ۱۳۴۷-
عنوان : استعاده و پناه‌خواهی در قرآن / مؤلف: محمد حسین خواجه بومی.
مشخصات نشر : زرنده: عصر بصیرت، ۱۴۰۲
مشخصات ظاهری : ۴۰۵ ص.
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۹۴۲۹۲-۶-۶
وضعیت فهرست‌نویسی : فیبا.
یادداشت : کتابنامه: ص. ۴۰۵-۳۹۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع : استعاده.

Esteazah

- موضوع : تفاسیر شیعه -- قرن ۱۴
Qur'an -- Shiite hermeneutics -- ۲۰th century

رده بندی کنگره : BP ۲۷۲/۷

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۶۳۲

شماره کتابشناسی ملی : ۹۳۶۱۸۱۴

اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیبا.

عنوان کتاب: استعاده و پناه‌خواهی در قرآن.

مؤلف: محمد حسین خواجه بومی.

ویراستار علمی، ویراستار ادبی، حروفچین و صفحه آرا: مؤلف.

ناشر: عصر بصیرت / ۹۱۳۳۹۶۶۱۹۴

شمارگان: ۱۰۰ جلد.

نوبت و سال چاپ: اول - ۱۴۰۲

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۴۲۹۲-۶-۶

قیمت: ۱۷۵ هزار تومان

چاپ و صحافی: مبین، قم

کپی و چاپ از روی کتاب برای عموم آزاد است.

فهرست

۹	مقدمه
۲۰	فصل اوّل: «پناه خواه»
۲۱	خلقت انسان در گنبد
۲۲	کاذب بودن انسان
۲۴	فصل دوّم: «پناهگاه»
۲۵	فرار به سوی خدا تعبیری از پناهگاه بودن او
۳۲	ولایت خدا تعبیری از پناهگاه بودن او
۴۱	کعبه و پناه خواهی
۴۶	نام الله و پناه خواهی
۵۲	توحید و پناه خواهی
۵۶	۱ - نبوّت و امامت تداوم خط نبوت:
۷۱	۲ - فقاہت پناهگاهی امن در تداوم خط نبوت و امامت:
۷۴	۳ - ایمان تداوم خط فقاہت:
۷۵	در پناه مکتب اسلام
۸۰	در پناه قرآن
۸۱	در پناه حکومت اسلامی
۸۴	۱ - زندگی اقلّیتها در پناه حکومت اسلامی:
۸۷	۲ - زندگی مخالفین حکومت اسلامی:
۸۸	۳ - مردم کشورهای مسلمان در پناه حکومت اسلامی:
۹۱	فصل سوّم: «آنچه باید از آن به خدا پناه برد»
۹۶	پناه از شرّ همه مخلوقات
۱۰۱	شیطان
۱۰۱	۱ - برگشت همه شرور به شیطان:
۱۰۶	۲ - پناه بردن به خدا از شرّ شیطان:
۱۱۰	۳ - مفهوم شیطان:
۱۱۵	۴ - وسوسه شیطان:

- ۵ - خیانت شیطان: ۱۲۱
- ۶ - همزات شیطان: ۱۲۵
- ۷ - دشمنی شیطان: ۱۲۸
- الف) دشمنی با حضرت آدم (ع): ۱۲۹
- ب - دشمنی با فرزندان آدم (ع): ۱۳۱
- ج - دشمنی با پیامبران خدا: ۱۳۶
- د- حدود دشمنی شیطان: ۱۴۱
- ذ - دوستی نکردن با دشمن: ۱۴۲
- عالمان بی عمل ۱۴۵
- انسانهای متکبر ۱۴۶
- ۱ - پناه خواهی حضرت موسی (ع): ۱۴۷
- ۲ - پناه خواهی حضرت یوسف (ع): ۱۵۰
- ۳ - پناه خواهی حضرت محمد (ص): ۱۵۲
- ۴ - پناه خواهی امام صادق (ع): ۱۵۵
- چهل ۱۵۶
- ۱ - پناه خواهی حضرت موسی (ع): ۱۵۶
- ۲ - پناه خواهی حضرت نوح (ع): ۱۶۰
- ۳ - سفارش امام علی (ع): ۱۶۵
- غایب ۱۶۶
- ساحر ۱۶۸
- حاسد ۱۷۴
- گناه ۱۷۷
- ۱ - پناه خواهی حضرت یوسف (ع) از زنا: ۱۸۳
- ۲ - پناه خواهی یوسف از گرفتار کردن بیگناه: ۱۸۹
- ۳ - پناه خواهی حضرت مریم (س) از زنا: ۱۹۲
- ۴ - پناه خواهی از گرفتن خانه شخص بدهکار: ۱۹۵
- خدا ۱۹۶
- ۱ - پناه خواهی از هول عظیم قبر: ۲۰۰

۲۰۰	۲- پناه خواهی از مرگ:
۲۰۶	۳ - پناه خواهی از آتش دوزخ:
۲۱۳	مصادیق دیگر از «مستعاذ منه»
۲۲۱	فصل چهارم: انگیزه های پناه خواهی
۲۲۳	فصل پنجم: اسباب پناه خواهی
۲۲۴	توسل
۲۲۸	ایمان
۲۳۰	تقوا
۲۳۶	اخلاص
۲۳۸	تذکر
۲۴۷	۱ - ذکر ذهنی:
۲۴۸	۲ - ذکر قلبی:
۲۵۳	۳ - ذکر لفظی:
۲۵۶	الف) تمسک به اسماء خداوند:
۲۷۰	ب) خواندن قرآن:
۲۷۴	ج) دُعا کردن:
۲۸۹	۴ - ذکر عملی:
۲۸۹	الف) ولایت:
۲۹۱	ب) حج:
۲۹۲	ج) نماز:
۲۹۵	توکل
۲۹۵	۱- نقش توکل در پناه یابی:
۲۹۹	۲- ذکر مخصوص توکل:
۳۰۲	۳- چگونگی وکالت خداوند برای پناه خواه:
۳۰۲	۴- تأثیرگذاری توکل در پناه خواهی:
۳۰۷	۵- ارتباط توکل با تقوا:
۳۰۸	خوف
۳۱۰	انجام حسنات و ترک سیئات

- ۱- پیروی از هدایت پروردگار: ۳۱۰
- ۲- صلح و دوری از نزاع: ۳۱۰
- ۳- حلال خوری: ۳۱۲
- د - نیکو سخن گفتن: ۳۱۵
- ۴- دوری از شراب و قمار: ۳۱۶
- فصل ششم: جایگاه‌های حساس پناه خواهی ۳۱۸
- خواندن قرآن ۳۱۸
- ۱- ضرورت پناه خواهی به هنگام تلاوت قرآن: ۳۱۸
- ۲- چگونگی پناه بردن به خدا هنگام تلاوت قرآن: ۳۲۴
- خواندن نماز ۳۲۶
- ۱- ضرورت پناه بردن به خدا به هنگام نماز: ۳۲۶
- ۲- چگونگی پناه بردن به خدا به هنگام نماز: ۳۲۸
- مقام ۳۳۰
- و قتناسی ۳۳۱
- سخن گفتن ۳۳۱
- نویسندگی ۳۳۴
- در مراقبت از مشارطه ۳۳۵
- خوانیدن ۳۳۷
- ازدواج ۳۴۰
- تولید و تربیت فرزند ۳۴۱
- ۱- معنای شرک شیطان در فرزند ۳۴۱
- ۲- ادله مطلب ۳۴۴
- ۳- ذکرها و دعا‌های پناه خواهی در تولید فرزند: ۳۴۸
- ۴- مصادیقی از شرک شیطان در تولید فرزند: ۳۵۴
- درآمد و هزینه اموال: ۳۵۹
- فصل هفتم: پناه خواهی برای شخص ثالث ۳۶۲
- پناه خواهی برای اعضای خانواده ۳۶۲
- پناه خواهی برای امام زمان (عج) ۳۶۸

مقدمه

یکی از فرامین ذکر شده در قرآن کریم، دستور به استعاذه و پناه‌خواهی از شرّ اشرار است. کلمه «استعاذه» مصدر باب استفعال و به معنی طلب پناه و ایمنی کردن و به تعبیر دیگر «پناه‌خواهی» می‌باشد.

ریشه اصلی کلمات این خانواده واژه «عَوَظَ» می‌باشد که بمعنی «پناه بردن» و مصدر ثلاثی است.

نکته اول؛ در آیات متعددی از قرآن کریم سفارش به پناه بردن به خداوند از شرّ موجودات شرور شده است و اولیای خدا مکرر از خدا پناه‌خواهی می‌کردند و نتیجه می‌گرفتند:

۱- در آیه ۲۷ سوره عافر می‌خوانیم: "(موسی گفت) من به پروردگارم و پروردگار شما پناه می‌برم از هر متکبری که به روز حساب ایمان نمی‌آورد؛ «إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَ رَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ».

۲- در آیه ۲۰ سوره دُخان می‌خوانیم: "(موسی گفت) من به پروردگار خود و پروردگار شما پناه می‌برم از اینکه مرا متهم یا سنگسار کنید؛ «وَ إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَ رَبِّكُمْ أَنْ تَزْحَمُونِ».

۳- در آیه ۳۶ سوره آل عمران می‌خوانیم: "(مادر مریم گفت:) خدایا من مریم و نسل او را از شیطان رجیم در پناه تو قرار می‌دهم؛ «إِنِّي أَعِزُّهَا بِكَ وَ ذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ».

۴- در آیه ۲۳ سوره یوسف می‌خوانیم: "و آن زن که یوسف در خانه او بود از او تمنای کامجویی کرد و درها را بست و گفت بشتاب بسوی آنچه برای تو مهیاست! (یوسف) گفت: پناه می‌برم به خدا؛ «قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ»، او صاحب نعمت من است، مقام مرا گرامی داشته (آیا ممکن است به او ظلم و خیانت کنم؟) مسلماً ظالمان رستگار

نمی‌شوند؛ «وَرَأَوْنَاهُ الَّذِي هُوَ فِي يَدَيْهَا عَنْ نَفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَنَازِلَ إِنَّهُ لَا يُغْلِبُ الظَّالِمُونَ».

۵- در آیه اول سوره ناس می‌خوانیم: "(ای پیامبر) بگو پناه می‌برم به پروردگار مردم"; «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ».

۶- در آیه اول سوره فلق می‌خوانیم: "(ای پیامبر) بگو پناه می‌برم به پروردگار سپیده صبح (که دل سیاهی شب را می‌شکافد)؛ «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ».

نکته دوم؛ پناه بردن به موجودی که دارای قدرتی برتر است زمینه فطری دارد ولی پناه بردن به خداوند متعال که دارای قدرتی مافوق همه قدرتهاست نیاز به شناخت و ایمان دارد از اینرو بعضی انسانها از روی جهل به «غیر خدا» پناه می‌برند. گاهی انسان برای آنکه از شر بلخوشی‌های یابد به دامن شرور بزرگتر پناه می‌برد و این از آن جهت می‌باشد که راه را کم کرده است.

● در استدلال بر این مطلب که انسان فطرتاً پناه‌خواه است می‌توان به «آیات» و «احادیث» زیر تمسک کرد:

۱- در آیه ۶۷ سوره «إسراء» می‌خوانیم: "چون در دریا به شما صدمه‌ای برسد، هر که را به غیر از او می‌خوانید ناپدید می‌گردد و چون خداوند شما را به سوی خشکی نجات می‌دهد روی می‌گردانید که انسان همواره ناسپاس است؛ «وَإِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِلَٰهَةً فَلَمَّا تَجَاوَزْنَا إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا».

شرح آیه:

از این آیه شریفه فهمیده می‌شود که موضوع «پناه‌خواهی انسان» در سختیها از یک قدرت ما فوق طبیعی، دلیل بر وجود فطرت خداشناسی و وجود یک کشش درونی به سوی خداوند و فطری بودن پناه‌خواهی است.

هر گاه انسان در سختی‌های شدید قرار گیرد و از همه جا قطع امید کند میثاق فطریش شکوفا شده و به خدا رو می‌آورد و از خدا کمک می‌خواهد. از اینرو یکی از فلسفه‌های ایجاد سختی‌ها و رنج‌ها از جانب خداوند متعال، خارج کردن انسان از غفلت و توجه به خود اوست. بنابراین حوادث زندگی شناخت فطری انسان را نسبت به خداوند بیدار می‌کند.

۲- در آیات ۷۳ تا ۷۴ سوره حج می‌خوانیم: "ای مردم مثلی زده شده پس شما به آن گوش فرا دهید. (و آن اینکه:) کسانی را که غیر از خدا می‌خوانید هرگز نمی‌توانند مگسی بیافرینند، هر چند برای این کار دست به دست هم دهند و هر گاه مگس چیزی از آنها برباید نمی‌توانند آن را باز پس گیرند، هم این طلب کنندگان ناتوانند و هم آن مطلوبان (هم این عابدان و هم آن معبودان)؛ «هَا أَيُّهَا النَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَاَسْمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ وَإِنْ يَسْلُبْهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَفِيدُوا مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبُ وَالْمَطْلُوبُ (۷۳) مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ (۷۴)».

شرح آیه:

در این آیه موضوع «پناه‌خواهی بت‌پرستان» از معبودهای ساختگی خود مورد نکوهش قرار گرفته است و این دلیل است که «اصل پناه‌خواهی» از یک قدرت مافوق فطری است.

قبل از اسلام گاهی مشرکان با اینکه آفرینش جهان را مخصوص ذات خداوند می‌دانستند اما بت‌ها را به عنوان تکیه گاه و پناهگاه برای خود انتخاب کرده بودند و گاه برای هر یک از نیازمندیهای خود به یکی از بت‌ها تکیه می‌کردند. آنها به خدایان متعددی مثل: خدای باران، خدای نور، خدای ظلمت، خدای «جنگ و صلح»، و

خدای رزق و روزی قائل بودند و این همان عقیده ارباب انواع می‌باشد که در یونان قدیم نیز وجود داشت.^۱

خداوند در این آیه بیان می‌فرماید که آنچه از معبودهای ساختگی بشر که غیر از خدای متعال مورد ستایش بت‌پرستان قرار می‌گیرد بسیار ضعیف هستند تا آنجا که آنها نمی‌توانند یک مگسی بیافرینند اگر چه همگی دست به دست هم دهند و با هم متحد شوند. آنها نه تنها از آفرینش یک مگس عاجزند بلکه از مقابله کردن با یک مگس نیز عاجز هستند. زیرا اگر مگسی از آنها چیزی را برباید نمی‌توانند آن را از او باز پس بگیرند. هم عبادت‌کنندگان ضعیفند و هم عبادت‌شوندگانی که غیر از خدا هستند. حال اگر آنها درست فکر می‌کردند غیر از خدای یگانه را نمی‌پرستیدند پس این نیروی پرستش دلالت بر فطری بودن میل به معبود حقیقی دارد.

در بیان مصداقی برای آیه شریفه در روایات می‌خوانیم: بت پرستان قریش، بُتهایی را که در اطراف کعبه گردآوری کرده بودند آنها را با مشک و عنبر و گاه با زعفران یا عسل می‌آلودند و اطراف آنها ندای «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، إِلَّا شَرِيكَ هُوَ لَكَ، تَمْلِكُهُ وَ مَا مَلِكٌ»، که بیانگر شرک و بت‌پرستی آنها و تحریف لبیک موحدان بود سر در می‌دادند، و این موجودات پست و بی ارزش را شریک خدا می‌پنداشتند، ولی مگسها می‌آمدند و بر آنها می‌نشستند و آن عسل و زعفران و مشک و عنبر را می‌ربودند و آنها قدرت بر باز پس گرفتن آن نداشتند! قرآن مجید همین صحنه را عنوان قرار داده و برای بیان ضعف و ناتوانی بتها و سستی منطق مشرکان از آن بهره‌گیری می‌کند، می‌گوید شما خوب نگاه کنید ببینید معبودهایتان چگونه زیر دست و پای مگسها قرار گرفته‌اند و قادر به کمترین دفاع از خود

۱. (تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۱۷۰).

نیستند؟! این چه معبودهای بی‌عرضه و بی‌ارزشی هستند که شما حل مشکلات خود را از آنها می‌خواهید؟ قرآن بعد از بیان مثال زنده فوق نتیجه‌گیری می‌کند که آنها خدا را آن گونه که باید بشناسند نشناختند و بقدری در معرفت و شناسایی خدا ضعیف و ناتوانند که خداوند با آن عظمت را تا سر حد این معبودهای ضعیف و بی مقدار تنزل دادند و آنها را شریک او شمردند که اگر کمترین معرفتی در باره خدا داشتند بر این مقایسه خود می‌خندیدند.^۱

۳- در آیات ۱ تا ۶ سوره جن می‌خوانیم: "بگو به من وحی شده است که جمعی از جن به سخنانم گوش فرا داده‌اند و سپس گفته‌اند ما قرآن عجیبی شنیده‌ایم که به راه راست هدایت می‌کند لذا ما به آن ایمان آورده‌ایم و هرگز احدی را شریک پروردگارمان قرار نمی‌دهیم، و اینکه بلند است مقام با عظمت پروردگار ما، و او هرگز برای خود همسر و فرزندی انتخاب نکرده است، و اینکه سفیهان ما در باره خداوند سخنان ناروا می‌گفتند، و اینکه ما گمان می‌کردیم که انس و جن هرگز دروغ بر خدا نمی‌بندند، و اینکه مردانی از بشر به مردانی از جن «پناه» می‌بردند، و آنها سبب افزایش گمراهی و طغیانشان می‌شدند؛"

«قُلْ أُوْحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا (۱) يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا (۲) وَأَنَّهُ تَعَالَى جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا (۳) وَأَنَّهُ كَانَ يَفْعَلُ مَشِئَتَهُ عَلَى اللَّهِ سَطَطًا (۴) وَأَنَا ظَنَنَّا أَنَّ لَنْ كَثُورَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا (۵) وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الْإِنْسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِّنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا (۶)».

شرح آیه:

- عبارت «وَ أَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِنَ الْإِنْسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِنَ الْجِنِّ» شاهد مطلب مورد بحث است که بیان می‌کند که مردانی از جنس انسان به مردانی از جنس جن پناه می‌بردند. پس بنابر این آیه خمیر مایه «پناه‌خواهی» در فطرت انسان به ودیعه نهاده شده است.

گفته شده در زمان جاهلیت مردانی از انسانها در سفرهای خود به مردانی از جن پناه می‌بردند چنانکه از ابن عباس روایت شده که: "چون آنها به هنگام شب می‌خواستند در یک وادی و بیابانی بمانند و استراحت نمایند میگفتند: به بزرگ و رئیس این سرزمین پناه می‌بریم؛ «أَعُوذُ بِعَزِيرٍ هَذَا الْوَادِي» و این باعث زیاد شدن گناه آنها می‌شد."

در روایات دیگر نیز همین پناه برهن آنها به جن با عبارات دیگری آمده است مثلاً روایت شده می‌گفتند: "به بزرگ و رئیس این سرزمین از شر سفیهان قومش پناه می‌بریم؛ «أَعُوذُ بِعَزِيرٍ هَذَا الْوَادِي مِنْ شَرِّ سَفَهَاءِ قَوْمِهِ»".
و روایت شده می‌گفتند: "به سید این سرزمین پناه می‌بریم از شر آنچه که در آن است؛ «نَعُوذُ بِسَيِّدِ هَذَا الْوَادِي مِنْ شَرِّ مَا فِيهِ»، و آنچه در مقابل می‌گفتند ما مالک نفع و ضرری نیستیم! نه برای خودمان و نه برای شما (یعنی مالک نفع و ضرر خداست)".

همچنین روایت شده که می‌گفتند: پناه می‌بریم به «رب» این وادی، و آنچه در جواب می‌گفتند به ما پناه می‌برید در حالی که ما مالک نفع و ضرر خود هم نیستیم.